

دروس عمومی کنکور حذف می‌شود؟

معاون سیاستگذاری شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به این‌که حذف دروس عمومی از کنکور ۱۴۰۲ رقم می‌خورد، گفت: با توجه به تغییرات پیشنهادی دروس عمومی از کنکور حذف می‌شود و تمرکز کنکور فقط بر روی دروس اختصاصی خواهد بود. او با اشاره به این‌که سوالاتی با یادگیری عمیق تر طراحی شده و عمق یادگیری داوطلبان سنجیده می‌شود، افزود: تغییر دیگر در کنکور سراسری مربوط به ضریب کنکور است، در مدت ۲ سال ضریب کنکور ۴۰ درصد و ضریب امتحانات نهایی پایه به ۶۰ درصد می‌رسد. دروس عمومی از کنکور حذف می‌شود و به صورت کیفی و تشریحی خواهد بود؛ بنابراین دروس عمومی تستی نخواهد بود.

آزمون‌دادن لذت می‌برم! اما از قبل و بعدش متنفرم. از درس خواندن به قصد تست‌زدن، از سر ساعت مشخصی در دانشگاه حاضر شدن و با عمده دانشجویانی که تصویر روشنی از آینده ندارند، دمخور بودن و ... اصلا مساله من در همه روابط زندگی‌ام همین بوده که از هر رابطه‌ای یک گوشه‌اش را دوست داشته‌ام و یک گوشه دیگریش را نه و همیشه هم با جوابی مواجه شدم که میوه‌فروش‌ها به مشتری‌هایی که می‌خواهند میوه را سوا کنند می‌دهند.

انگار اگر قرار است به چیزی علاقه داشته باشی باید همه‌جوره با تمام حواشی، با همه قبل و بعدش علاقه داشته باشی. با این اوصاف من فقط به خاطر

ورود به دانشگاه‌ها در ایران سخت تر است یا کشورهای دیگر؟

ورود به این مکان پرهزینه است

صدای تشویق و همه‌همه جمعیت که در کلوژیوم روم گرد هم آمده‌اند، طوری فضا را هیجان‌انگیز کرده که انگار نه انگار قرار است چند گلاباتور به جان هم بیفتند و کشته شوند. اگر در امپراتوری روم باستان بودید و هیکل ورزشکاری داشتید، به جای تونل‌های ورزشگاه، در دالان‌های تاریک کلوژیوم و دوش به دوش قاتلان‌تان می‌ایستادید تا عده‌ای را سرگرم کنید و یک نفرتان پیروز و البته زنده از میدان بیرون بیاپید. یک رقابت سالم و هیجان‌انگیز که فقط قوی‌ترین از آن بیرون می‌آید و بقیه هرچند قوی، می‌میرند.



علی گنجی

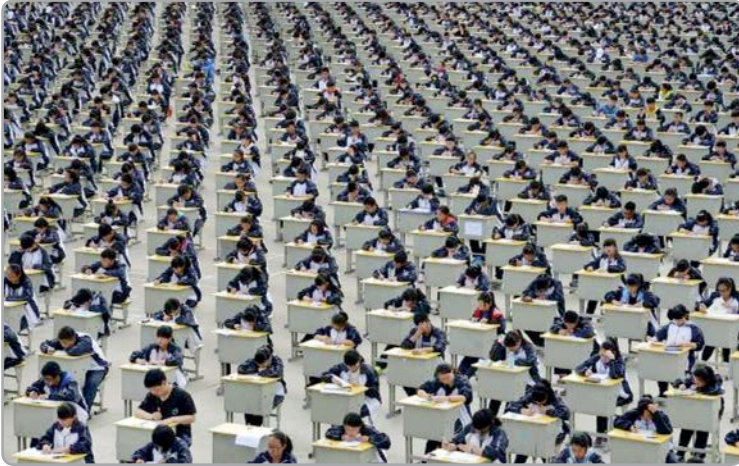
..... روزنامه‌نگاری که هم از قیف ایرانی و هم از قیف خارجی گذر کرده‌است

چه کسی قیف ایرانی‌ها را برعکس کرده؟

اگر یک شگرد برای پیدا کردن کلاهبرداران و مشاوران تقلبی کنکور باشد، افاضات‌شان در مورد قیف برعکس کنکور ایران است.

ورود به دانشگاه سخت است اما از آن طرف قیف گشاد است و سر می‌خورید در آغوش خوشبختی‌ها. مثل کودکی که به هوای بستنی قیفی از خانه بیرون آمده ولی آمپول نصبیش شده، توهم آزادی بعد از کنکور هم فقط برای رونق بازار کنکوریه‌است. داوطلب ورود به دانشگاه در ایران البته فقط با آزمون چهارساعته درگیر نیست. اگر بتواند در مدرسه‌ای خوب ثبت‌نام کند، می‌تواند آمیدی داشته‌باشد که به دانشگاه دلخواهش برسد. مدرسه خوب هم خب خرج دارد. به‌طور متوسط، مدارس غیرانتفاعی در سال کنکور حدود ۳۰ تا ۶۰میلیون شهریه می‌گیرند. کمی بیشتر از شهریه چند سال دانشگاه آزاد در یک‌سال هزینه می‌شود که دانشگاه دولتی قبول شوند و از شر هزینه‌های دانشگاه خلاص شوند. دست آخر هم مقصد بیشتر داوطلبان این مدارس دانشگاه‌های پولی و غیر انتفاعی است. البته پول اگر برای دانش‌آموز درست خرج شود، قیف سر تنگ را حسابی گشاد می‌کند. مثلاً از ۱۰نفر اول کنکور ۹۸، هر ۱۰نفر دانش‌آموز مدارس غیرانتفاعی و خصوصی بودند. شهریه مدرسه نه اولین خرج سال کنکور است و نه آخرین آن. بازار چندهزار میلیاردی کنکور به مشتری‌های بیشتری نیاز دارد. بعد از شهریه، باید کلی هزینه کتاب‌های کنکوری شود که اکثرا دست‌نخورده دور ریخته می‌شوند. آزمون‌های آزمایشی و نمونه تست هم آتقدر رونق گرفت که خود سازمان سنجش هم وارد بازار کنکورهای آزمایشی شد تا از سفره کنکور سهمی داشته‌باشد.

چشم‌بادامی‌ها، پیش‌رو در کنکور گیری



کنکور چینی، یک جنگ تمام‌عبار

کنکور در غرب دور

اگر در نیمکره غربی به دنیا می‌آمدید، کمتر مشکل کنکور و ورود قیفی به دانشگاه داشتید. کنکور اصلا یک واژه فرانسوی است به معنای رقابت و نام یک آزمون المپیادگونه است در فرانسه تا دانش‌آموزان جوایز مختلف کسب کنند. اما نام آزمون ورودی به دانشگاه باکالوگیاست و با رقابت‌های آسیایی برای ورود به دانشگاه متفاوت است. به‌طور کلی، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها، ورود به دانشگاه را مطلق به تست‌زنی نمی‌کنند و اساس رقابت، بعد از آزمون‌های اولیه و نمرات مدرسه، مصاحبه است. مثلاً در انگلستان بعد از آزمون‌هایی به نام A level، دانش‌آموز می‌تواند به پنج‌دانشگاه در رشته مورد نظرش تقاضای مصاحبه بفرستد. خبری از فهرست‌های بلند بالای صدتایی با انواع و اقسام رشته‌ها و دانشگاه‌ها همچون ایران نیست و هر داوطلبی باید رشته موردنظرش را انتخاب کرده‌باشد و بعد از انتخاب دانشگاه و فرستادن مدارک برای آنها، بر اساس نمرات قبلی به مصاحبه دعوت می‌شوند. در مصاحبه، علاوه بر سوالات علمی، سوالات انگیزشی هم پرسیده می‌شود. مثلاً این‌که چرا این رشته را انتخاب کرده‌اید؟ هدف‌تان از فعالیت در این رشته تحصیلی چیست؟ چرا دانشگاه ما را انتخاب کرده‌اید؟ این سوالات که تاثیر به‌سزایی در قبولی دانشجو دارد، تفاوت اصلی آزمون این دانشگاه‌ها با شرق دنیا نیست. وقتی دانشجو وارد دانشگاه شد، امکان دارد به سادگی و با یک ترم درس نخواندن از دانشگاه اخراج شود. تقریباً در بیشتر دانشگاه‌های اروپایی این قانون وجود داردکه شما در سال تحصیلی باید

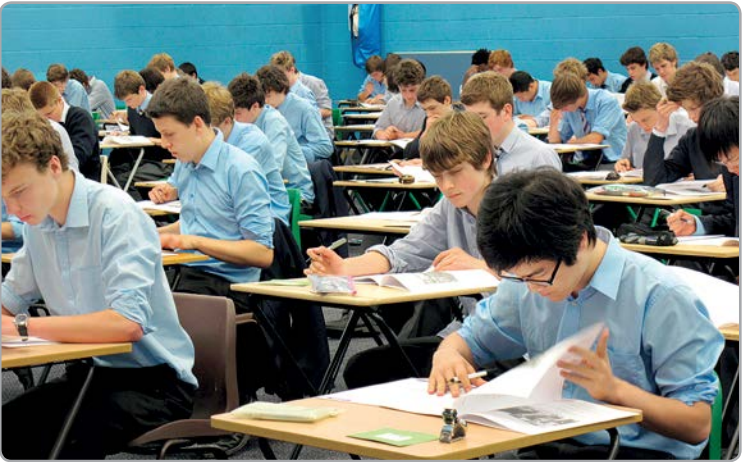
دوشادوش رقبا ایستاده‌اید. سربازی شما را بازرسی می‌کند تا نکند سلاحی غیرقانونی را به میدان رقابت ببرید. قرار است به میدان رقابتی بروید که هرکس از آن زنده بیرون ماند، زندگی‌اش را خواهدساخت و بقیه باید دنبال راهی دیگر برای زنده‌ماندن در جنگ باشند. داوطلب هر کنکوری که بوده‌باشید، این جنگ نابرابر را تجربه کرده‌اید. در صف قربانی‌شدن با‌تست، مثل همان نبرد گلابیاتورها، عده‌ای ترسیده‌اند، عده‌ای از قبل مردانه‌ان و عده‌ای هم شمشیر و مداد تیز می‌کنند به امید زنده ماندن. هر گلابیاتور سلحشوری هم زنده بماند، در نهایت همه برده‌اید. حوزه کنکور من علم و صنعت بود. به امید این‌که روزی در همان دانشگاه درس بخوانم واردش می‌شوم در حالی‌که والدین نگران و تسبیح به دست، نگاهمان می‌کنند که به سمت مبارزه با فرزندان‌شان می‌روم. احتمالاً دعا



دولانه‌د قیف برعکس

از شر کنکور هم که خلاص شوید، انتخاب رشته از آخرین روش‌های اسکناس‌گیری از داوطلبان ورود به دانشگاه است. همیشه فکرم به این بود اگر ورود به دانشگاه آغاز خوشبختی‌ام است، چرا قبول‌شدگان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های پر متقاضی مثل پزشکی، مشغول فعالیت کنکوری و مشاوره تست‌زنی هستند؟

کنکور ایران اگر یک فیلم ترسناک باشد، در کشورهایی مثل چین وکره، یک مراسم جن‌گیری واقعی است. در مقایسه با کنکور چهارساعته‌ای ایران، این آزمون ۹ ساعت طول می‌کشد و در سه روز انجام می‌شود. «گانگواو» نام آزمون ملی چین است که سالانه حدود ۱۰میلیون نفر در آن شرکت می‌کنند. رقابتی بزرگ و حیاتی‌ک والدین آسیایی آن را برای فرزندان‌شان سخت ترهم می‌کنند. قبولی یا رد در این آزمون به نوعی تعیین‌کننده کامل آینده یک نوجوان چینی است. کنکور چینی‌ها در ماه ژوئن برگزار می‌شود که باعث شده دبیرستانی‌های این کشور، ژوئن را ماه سیاه بنامند. آن هم به دلیل ازدیاد خودکشی و افسردگی‌های ناشی از استرس گانگواو. حدود ۴۰درصد دانش‌آموزان موفق به کسب جایگاهی در دانشگاه نمی‌شوند و فقط یک‌درصد شرکت‌کنندگان در دانشگاه و رشته موردنظر خودشان پذیرفته می‌شوند. علاوه بر آزمون، هزینه دانشگاه هم تعداد زیادی از چینی‌را از رقابت دور می‌کند. کنترل و امنیت آزمون هم بر عهده سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی دولتی قرار گرفته تا با موج سنگین تقلب و رشوه در آزمون مقابله کنند و بتوانند این رقابت گسترده را کنترل کنند. در کره وضعیت در روز آزمون سوررئال تر است. در زمان برگزاری آزمون، فروشگاه‌ها دیرتر باز می‌کنند و اتوبوس‌ها و متروها چند برابر می‌شوند تا همه به موقع به آزمون برسند. در مواردی که دانش‌آموزی دیر به محل آزمون برسد، پلیس کره آنها را تا محل برگزاری اسکورث می‌کند. حتی هواپیماها در این روز از ظهر پرواز می‌کنند تا صدایشان داوطلبان را اذیت نکند. آزمون یک روز کامل وقت می‌گیرد و دانش‌آموزان بعد از سوالات ریاضی و زبان، ناهار می‌خورند و بعد به سوالات تاریخ کره پاسخ می‌دهند. نام آزمون ملی کره «سونیونگ» است و حدود نیم‌میلیون نفر در آن شرکت می‌کنند. چون کسی نمی‌تواند این آزمون را مجدداً تکرار کند، فشار روانی زیادی روی دانش‌آموزان کره‌ای است تا در این آزمون موفق شوند.



دربار خیرای کنکور نیست

به حد نصابی از دروس گذرانده شده برسید و نمی‌توانید مدام واحدها را عقب بیندازید. همان قضیه قیف معروف که ورود به دانشگاه در غرب آسان است اما باقی ماندن در آن تلاشی مستمر می‌طلبد.

آیا می‌دانید کنکور را هم می‌شود مثل سربازی خرید؟

دور زدن ممنوع! مگر با پرداخت جریمه

از جان‌که چیزی عزیزتر نیست. ۱۰ سال هم کار کنیم، اگر کوچک‌ترین ناهماهنگی در تپش قلب‌مان حس کنیم یا سردرد مداومی بگیریم، فوراً و بدون درنگ همه ثروت و اندوخته‌مان را خرج می‌کنیم تا دوباره سلامتی‌را به دست آوریم. زن همسایه‌مان که سال‌ها پیش فوت کرد، فهمیدم اگر هر چیزی خریدنی باشد، سلامتی خریدنی نیست. دیابت داشت و کلیه‌هایش از کار افتاده بود. در انتظار برای پیوند کلیه با گروه خونی کمپاش، همسرش هم پیر شد و دیگر آن مرد شیرین سابق نشد. هر چه هم داشت خرج دیالیز و بیمارستان همسرش کرد اما فایده‌ای نداشت. سال‌ها گذشت که فهمیدم چند دستگاه دیالیز خاص وارد کشور شده برای ثروتمندانی که نمی‌خواهند توان بدنی‌شان را در راه بیمارستان بگذارند و هر گروه خونی هم که بخواهند، در بازار سیاه پیوند و فروش عضو پیدا می‌کنند. شاید همسایه نگوین بخت ما فقط به اندازه‌اش خرج نکرد.

دست به اسکناس هرچیزی را می‌شود خرید. اگر تجربه الان را داشتم، هیچ‌گاه یک نصف روز وقتم را برای انشای علم بهتر است یا ثروت صرف نمی‌کردم. اگر ثروت نباشد علمی هست؟ همیشه بچه پولدارهای کلاس دومان می‌زدند. من شب و روز برای یک درس وقت می‌گذاشتم، آنها معلم همان درس را خصوصی به خدمت می‌گرفتند و تمام سؤال‌های امتحانی‌را شب قبلش تمرین می‌کردند. از خواب و خوراک‌شان هم نمی‌زدند. همیشه با خودم می‌گفتم بالاخره یک روز گیر می‌افتند. تا کی معلم خصوصی؟ تا کی دور زدن همه چیز با پول؟

کنکور همان سدی بود که منتظرش بودم. مطمئن بودم ماه‌دارهای مدرسه نه می‌توانند استادان طراح کنکور را به استخدام شخصی در بیاورند و نه سؤالاتی را که وزارت اطلاعات امنیتی‌ش را حفظ می‌کند با پول به‌دست آورند. رتبه‌ها که آمد هیچ‌کدام به آرزوی دانشگاه تهران نرسیدیم. ناراحت بودم اما حداقل عدالت رعایت شده بود.

نیم ترم از دانشگاه‌مان که گذشت، دیدم چند نفر که رتبه‌شان بدتر از من شده، دانشگاه تهرانی شده‌اند و در کنار رتبه‌های دو رقمی درس می‌خوانند. چه معجزه‌ای رخ داده؟

دانشگاه پولی، غیر از دانشگاه آزاد، از سال ۸۵ شروع شد. دانشگاه تهران پردیسی در جزیره کیش تأسیس کرد و با شهریه‌ای هنگفت، از ثروتمندان دانشجو گرفت و بعد از چند ترم آنها را به پردیسی اصلی دانشگاه آورد. با خروج بسیاری از دانشجویان از ایران برای تحصیل در رشته‌های علوم پزشکی در کشورهایی مثل هند، مالزی، استرالیا و ...، فکر بکری به ذهن مسؤولان دانشگاهی رسید چرا دانشجویی که سالانه حداقل ۱۰ هزار دلار خرج تحصیلش می‌کند، این پول را به غریبه‌ها بدهد؟ مگر تولید داخلی چه مشکلی دارد که خرج جنس خارجی می‌کنند؟

از سال ۹۱ به بعد، موج پولی شدن رشته‌های پرمتقاضی بیشتر شد. دانشگاه‌ها از ظرفیت رایگان و روزانه کم کردند و بعضاً تا ۵۰درصد ظرفیت‌شان را به پردیس‌های بین‌الملل (پردیس خودگردان کنونی) اختصاص دادند. دلیل‌شان هم جلوگیری از خروج ارز از کشور بود. موج انتقالی از خارج به داخل بیشتر شد و مثلاً در سال ۹۷ حدود ۲۰۰۰ پرونده انتقال به داخل کشور به وزارت بهداشت ارسال شد که با اکثریت آنها موافقت شد.

دانشجویان هم از این راه کنکور را دور می‌زنند. به این صورت که سالی که در کنکور پذیرفته نشده‌اند، در یکی از دانشگاه‌های اروپایی با آسیایی که قبولی‌شان راحت‌تر است، پذیرش می‌گیرند و حدود یک‌سال در کشور خارجی تفریح می‌کنند و چند واحدی پاس می‌کنند. بعد از یکی دو سال هم اقدام به انتقال به داخل می‌کنند و کنار دانشجویانی که رتبه کنکورشان یکی دو رقم کمتر از رتبه آنها دارد می‌نشینند.

در سال‌های دور فقط دانشگاه تهران پردیس پولی در جزیره کیش داشت. اکنون اما تمامی دانشگاه‌های کشور پردیس خودگردان دارند. حتی دانشگاه آزاد که در اصل هزینه‌بر است با پذیرش دانشجویان خارجی و اخذ شهریه چند برابر بودجه خودش را تأمین می‌کند. به‌صورت عادی اگر شهریه‌های پزشکی دانشگاه آزاد را با میانگین ۱۵ میلیون تومان در سراسر کشور در نظر بگیریم، در سال ۹۸ حدود ۸۰ میلیون تومان از دانشجویان انتقالی به داخل گرفت.

شهریه در دانشگاه‌های برتر سراسری از این هم بیشتر است. در دانشگاه‌هایی مثل تهران و بهشتی، شهریه به سالی ۱۵۰ میلیون تومان می‌رسد در حالی که این شهریه‌ها برای دانشجویانی که با کنکور داخل در پردیس قبول شده‌اند، حدود ۳۰ میلیون تومان است.

این دور زدن کنکور سراسری با پول سال‌هاست مورد اعتراض منتقدان آموزش عالی است. دانشجویان شهید بهشتی هم در اعتراض به پذیرش دانشجویان خارج کشور و یکسان بودن محل تحصیل‌شان با دانشجویان پولی اعتراض کردند که مورد اهمیت مسؤولان واقع نشد. در حالی که دور زدن از سال ۹۷ ممنوع شده به گواہ دانشجویان دانشگاه‌های برتر هنوز هم بعد از ترم‌های اولیه سر و کله دانشجویان جدیدی پیدا می‌شود که در مورد رتبه کنکورشان صحبتی نمی‌کنند!

